پیاده‌سازی کامل و مو به موی مستند «مادرکُشی»

نویسنده، پژوهشگر و کارگردان: کمیل سوهانی • گوینده: حامد باقری تنها • نسخه کامل (بخش اول تا پنجم)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ»

«وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»

با دست خویش خود را به هلاکت نیفکنید (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۹۵)

بخش اول: آغاز بحران، نوسازی و رویای سدسازی بزرگ

زمان‌بندی: ۰۰:۰۰ تا ۱۵:۰۸

۱. مقدمه و تصویر تهران امروز

راوی (۰۰:۴۲) : روزگاری آن‌که می‌خندید، هنوز خبر بد را نشنیده بود؛ اما ما ساکنان شهر، دیرزمانی‌ست خبر بد را شنیده‌ایم و همچنان می‌خندیم. استخوان‌های زمینی که این بهشت خیالی را در آن برپا کرده‌ایم، از فرط مکیدن بی‌رویه شیره جانش پوک شده است و دور نیست روزی که دهان باز کند و ساکنان این جزایر خوشبختی را در خود فرو ببلعد.

دریاچه‌ها و تالاب‌ها، رودها و نهرها، چشمه‌ها و چاه‌ها و قنات‌ها و آبخوان‌های این سرزمین هر روز کم‌آب‌تر و کم‌جان‌تر می‌شوند. تو گویی بحران قرن‌ها از اینجا فاصله دارد و این‌ها همه اخباری از یک کره دیگرند.

۲. روایت مردم درگیر با بحران بی‌آبی

صداهای روی تصویر عنوان فیلم «مادرکُشی» (۰۱:۴۹) : آب ما نداشتیم... به هر شخصی که شما می‌توانید یک آبی فقط برسانید به ما... آقا آب بده بابا!

یکی از زنان روستا (در کنار تانکر آب) (۰۲:۲۰) : باید آب بیاورند در خانه‌مان. در خانه‌مان که هم بیاورند، هرچه هم پول برایمان بیاید، ما از ته دل می‌دهیم.

مرد روستایی در نخلستان (۰۲:۲۶) : گفتیم آقا شما به پیمانکار ۵ میلیون تومان می‌دهید، به ما ۳ میلیون بدهید؛ ما خودمان با دست لایروبی می‌کنیم.

مرد روستایی در کنار تانکر (۰۲:۳۲) : به خدا، به پیر، به پیغمبر، الان سه ماه است که می‌گویند آقا آب می‌آید؛ همه‌مان ناراحتیم.

پیرمرد روستایی (۰۲:۳۷) : من این‌قدری که بودم کشاورزی کار کردم تا حالا، حالا باید گشنگی بخورم.

مرد روستایی در کنار زمین بایر (۰۲:۴۲) : بچه‌هایم درس کشاورزی خواندند، مهندس شدند؛ یکی‌شان رفته دکور بقالی زده خرمشهر، یکی‌شان رفته توی شرکت نفت و آب.

مرد روستایی (۰۲:۴۹) : هفت سر عائله‌ام، دو زانو یا سه زانو [تانکر/دبه] آب ما داریم.

پیرمرد با چفیه (۰۲:۵۲) : می‌گفتند آب کم شد، نیست. ای بابا! آب هست بالا، اینجا هم نمی‌رسد.

۳. ریشه‌های تاریخی؛ طرح اصل چهار ترومن و نوسازی

راوی (۰۳:۰۰) **:** راه زیادی طی نشده است تا تصاویر مردمی که چنین گرفتار کم‌آبی و بی‌آبی هستند دیده شود. حالا همه درباره خشکسالی و بحران آب چیزهایی شنیده‌ایم. این سرزمین همیشه این‌طور نبوده است. برای فهمیدن آنچه بر آن رفته باید به عقب برگردیم؛ به سال‌های آغازین دهه ۳۰ شمسی. سال‌های نوشدن ایران که هم‌زمان بود با اجرای «طرح اصل چهار ترومن». بر اساس این طرح، دولت آمریکا برای پیشگیری از گرایش ایران به سمت اردوگاه شوروی، کمک‌های کشاورزی، بهداشتی و فرهنگی خود را روانه ایران کرد.

گوینده فیلم آرشیوی «کارهای اصل ۴ در ایران» (۰۳:۴۵) **:** کارهای اصل چهار در ایران. مردم آمریکا که خواهان خوشبختی مردم ایران هستند، می‌خواهند با ایرانیان در راه بهبود کشت و کار و تندرستی و فرهنگشان همکاری کنند. مردم آمریکا ۷۵ هزار جوجه مرغوب برای اصلاح نژاد مرغ به ایران فرستادند. این گاوها را اصل چهار آورده تا برای روستاییان ایرانی گاوهای پُرشیر تهیه کند. یکی دیگر از کارهای اصل چهار این است که برای مردم آب تهیه نماید. اهل رباط‌کریم خیلی خوشحالند که به‌زودی صاحب آب سالم و زیاد می‌شوند؛ می‌توانند بیشتر زمین‌هایشان را آبیاری کنند و بکارند.

۴. الگوی سدسازی بزرگ در جهان و ایران

راوی (۰۴:۳۸) **:** در کنار خوشحالی مردم رباط‌کریم و شور و شوق حاصل از انتقال مظاهر شهر فرنگ به روستاها، ساختن سدهای بسیار بزرگ جایگاه ویژه‌ای پیش مسئولان کشور پیدا کرد؛ بناهایی که پیش از این در ممالک مترقی دیده بودند.

محمد درویش (عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع / مدیرکل دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان محیط زیست) • (۰۴:۵۶)
در ایالات متحده آمریکا بر روی یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌هایشان، رودخانه کلرادو، آمدند و یک سدی ساختند در زمان روزولت و اسم آن سد «هوور» بود (سال ۱۳۱۵). وقتی که آن سد عظیم ساخته شد و رئیس‌جمهور آمریکا رفت و آن سد را بازدید کرد، یک جمله‌ای گفت؛ گفت: «آمدم، دیدم و مسحور شدم». این جمله الهام‌بخش بسیاری از سیاست‌مداران به‌خصوص در جهان سوم شد. آن روزولت افسانه‌ای در کنار آن سد پهن‌پیکر، قدرت ایالات متحده آمریکا را به‌عنوان ابرقدرت جهان نشان داد و خیلی‌ها که دوست داشتند شبیه آن قدرت را داشته باشند، کاریکاتور آن ماجرا را می‌خواستند در کشور خودشان اجرا بکنند.

گوینده فیلم آرشیوی دوران پهلوی (۰۵:۴۳) **:** طی ۲۴ سال سلطنت شاهنشاه، گام‌های مؤثری در کلیه شئون اجتماعی کشور برداشته شد و تحولات اساسی در رشته‌های مختلف آموزشی، بهداشتی و صنعتی کشور به وجود آمد؛ تحولاتی که پایه و اساس بنای ایران نو بر آن استوار است. در مورد صنعتی شدن کشور شاهنشاه می‌فرمایند: «هر جا که امکان ساختن سدی باشد ایجاد خواهیم کرد و هر جا که آبی در زیر زمین موجود باشد آن را از روی اصول و حساب استخراج خواهیم نمود.»

راوی (۰۶:۲۳) **:** حرکت به سمت ایران نو، ایده‌ای بود که با عواید حاصل از فروش نفت در اوایل دهه ۴۰ شمسی ممکن به نظر می‌رسید و حاکمان ایران با تکیه بر پول نفت به‌سرعت اقدام به ایجاد تغییرات اساسی در نظام کشاورزی، آبیاری و آبرسانی کردند. آن زمان این تغییرات برای کشاورزان خیلی خوشایند بود.

> **کشاورز در فیلم آرشیوی (دوران پهلوی)** (۰۷:۲۴) **:** سلام. اسم من احمد رضایی کلاه‌پوست، از قریه اسماعیل‌آباد قره‌باغ، از پنج فرسخی شیراز. داریم خرمن می‌کوبیم. با تراکتور خرمن می‌کوبیم. آن وقت‌ها با گاو خرمن می‌کوبیدیم. حالا وضعمان یک کمی بهتر شده. آن وقت‌ها آب نداشتیم، به بدبختی و بیچارگی زراعت می‌کردیم. حالا وضعمان الحمدلله بهتر شده از وسایل تلمبه و موتورپمپ و این‌ها. هر نفر آن وقت تقریباً ۴۰۰ من، ۵۰۰ من گندم داشتیم؛ حالا ۲ هزار و ۵۰۰ من، ۳ هزار من گندم داریم. نخود، چغندر داریم به کارخانه کوار تحویل می‌دهیم؛ پنبه داریم، هندوانه و خربزه داریم.

۵. مستند «باد صبا» و تراژدی سد کرج

راوی (۰۸:۰۶) **:** حالا وقت آن بود که تصویری از ایران نوین به دنیا نشان داده شود. شاه از «آلبر لاموریس»، کارگردان مشهور فرانسوی و برنده جایزه اسکار، دعوت کرد به ایران بیاید و فیلمی درباره ایران نوین بسازد؛ اما این دعوت پایان ناخوشایندی داشت. لاموریس به شهرهای مختلف سفر کرد و با شیوه فیلم‌برداری هوایی شگفت‌انگیزش فیلمی درباره ایران ساخت.

گفتار متن فیلم «باد صبا» (با صدای منوچهر انور) (۰۸:۴۰) **:** ای باد مشک‌بیز! همچنان با زاینده‌رود، تکبیر مرا به اصفهان برسان؛ شهری که در آن باغ‌ها و آثار دست هنرمندان در هم آمیخته‌اند و دیاری که نسیم جانبخش بهشت نغمه‌های دلاویز بر آن می‌پاشد. چهار هزار سال است که حال بر این منوال بوده...

راوی (۰۹:۰۸) **:** لاموریس زیبایی‌های ایران را در فیلم جاودانه‌اش «باد صبا» به تصویر کشید و فرهنگ غنی و اصیل آن را که پایه تمدنی هزاران‌ساله بود ستود؛ اما این نگاه پسند حاکمان قرار نگرفت. منوچهر انور، گوینده گفتار متن فیلم باد صبا، از اعتراض سفارش‌دهندگان دولتی فیلم می‌گوید:

منوچهر انور (گوینده گفتار متن فیلم باد صبا) • (۰۹:۳۳)
فیلم را وقتی آماده می‌کند و تحویل می‌دهد به خیال خودش، مقامات بالا یهو به این نتیجه می‌رسند یا اعتراض می‌کنند به اینکه نه آقا این آن چیزی که ما می‌خواستیم نیست؛ این افتخارات ایران نوین را نشان نمی‌دهد. عرض کنم که این خیلی برایش کار دردناکی بود و معطل شد، خیلی سعی کرد که از این کار معافش بکنند ولی نشد؛ گفتند اگر نکنی فیلم پخش نمی‌شود.

راوی (۱۰:۱۰) **:** چیزی که لاموریس در فیلم شاعرانه‌اش از آن غافل شده بود، افتخارات ایران نوین بود؛ افتخاراتی که سد کرج یکی از مظاهر آن به شمار می‌رفت. لاموریس تاوان غفلتش از این افتخار بزرگ را با جانش پرداخت.

منوچهر انور (۱۰:۳۰)
گفت: «پس من می‌روم این کار نادلنشین سد کرج را من دارم انجام بدهم، با اینکه هیچ خوشم نمی‌آید این کار را بکنم، ولی باید بکنم، ناچارم.» هلیکوپتر ملخش گیر کرده به سیم بکسلی که آمده بود از آن‌ور به این‌ور؛ ملخش کنده شده بود و سقوط کرده بود و رفته بود ته آب.

راوی (۱۱:۰۳) **:** لاموریس کشته شد و سفارش‌دهندگان فیلم باد صبا هم رفتند؛ اما تفکری که او را به سد کرج فرستاده بود باقی ماند و هر روز قوی و قوی‌تر شد.

۶. رکوردشکنی سدسازی و فاجعه دریاچه ارومیه

راوی (۱۲:۰۳) **:** الگوبرداری از کشورهای توسعه‌یافته در برپا کردن این سازه‌های عظیم بتنی و خاکی، خیلی زود از حد و مرز استانداردهای جهانی گذشت تا ایران را در مهار منابع آبی تجدیدپذیرش به رکورددار دنیا تبدیل کند.

مهندس عیسی کلانتری (وزیر اسبق کشاورزی و دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه) • (۱۲:۲۴)
جامعه جهانی تا ارگان‌های توسعه بین‌المللی می‌گویند که شما اگر تا ۲۰ درصد از آب تجدیدپذیرتان استفاده کنید، محیط زیستتان سالم می‌ماند. برای حداکثر تعیین کردند ۴۰ درصد از این آب را حق دارید استفاده کنید. توی دنیا دو تا کشور هستند که بالای ۴۰ درصد استفاده می‌کنند؛ یکی‌اش مصر است با ۴۶ درصد دومش، اولش ایران است که ۹۶ درصد، ۹۷ درصد استفاده می‌کند! یعنی فاجعه را به وجود آوردیم.

محمد درویش (۱۲:۵۴)
بیش از ۶۵۰ سد ساختیم؛ الان آمارها می‌گوید نزدیک به ۴۰ درصد این سدها خالی از آب است. یعنی اصلاً این کشور گنجایش این‌همه سد را نداشته. فقط توی حوضه آبریز دریاچه ارومیه ۷۲ سد فعال وجود دارد و قرار بوده ۱۰۵ سد زده بشود! آخر از کجا؟ یعنی این ۱۴ تا رودخانه‌ای که در حوضه آبریز دریاچه ارومیه بودند، حداقل هر کدامشان ۱۰-۱۲ تا سد رویشان قرار بوده ساخته بشود!

راوی (۱۳:۲۳) **:** دریاچه ارومیه یکی از قربانیان ده‌ها سدی است که بر روی رودخانه‌های منتهی به آن بسته شد. مهم‌ترین دلیل ساخت این سدها جلوگیری از آمیخته شدن آب‌های شیرین رودهای این حوضه با آب شور دریاچه ارومیه بود.

دکتر محمدتقی فرور (نویسنده کتاب «تکنولوژی آسیب‌زا»، ۱۳۵۰) • (۱۳:۴۰)
این دیدگاه که آب رودخانه جلویش را اگر نگیری هدر می‌رود؛ هدر می‌رود یعنی چی؟ یعنی می‌رود توی مثلاً می‌گویند مرداب، باتلاق و از این حرف‌ها می‌زنند در حالی که اسم این‌ها چی هست؟ تالاب! یعنی یک اکوسیستم بسیار زنده، بسیار ضروری برای نه‌فقط انسان، بلکه برای خلقت خدا.

راوی (۱۴:۰۴) **:** بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران، دومین دریاچه آب شور دنیا، بزرگ‌ترین آبگیر دائمی غرب آسیا، محل زندگی بیش از ۲۷ گونه پستاندار، ۴۰ نوع خزنده، ۲۰ نوع ماهی و ۲۰۰ گونه پرنده؛ حالا دیگر این توصیفات برای دریاچه ارومیه و حوضه آبریزش تنها خاطرات شیرین به‌جامانده از گذشته‌ای نه‌چندان دور است. خاطرات به‌جامانده از دریاچه‌ای هفت برابر بزرگ‌تر از شهری به بزرگی تهران. ده‌ها سد، شریان‌هایی که خون حیات را به پهنه آبی دریاچه ارومیه می‌رساند قطع کرد تا دیگر چنین مناظری وجود نداشته باشد؛ دریاچه‌ها و تالاب‌های زیبا و پرنده‌هایی که هر ساله صدها هزار از آن‌ها در مسیر مهاجرتشان خستگی سفری دور و دراز را در این تالاب‌ها و دریاچه‌ها از تن می‌شستند و زاد و ولد می‌کردند.

بخش دوم: مرگ تالاب‌ها، ریزگردها و غارت سفره‌های زیرزمینی
زمان‌بندی: ۱۵:۰۸ تا ۳۰:۰۹

۷. مرگ تالاب‌ها و بحران ریزگردها

راوی (۱۵:۱۸) **:** با خشک شدن بسیاری از این دریاچه‌ها و تالاب‌ها، حالا دیگر خبری از سرزندگی و نشاطی که این مرغان آتشین با خود به ایران به ارمغان می‌آوردند نیست. پرنده‌ها از بین رفته یا کوچ کرده‌اند. آن گستره‌های آبی چشم‌نواز خشک شده‌اند و برهوتی گسترده جایشان را گرفته است.

مانی میرصادقی (مستندساز محیط زیست) • (۱۶:۰۸)
راوی: مانی میرصادقی، مستندساز محیط زیست که همه عمر حرفه‌ای‌اش را به همراه دوربینش در طبیعت گذرانده، در حال ساختن فیلمی درباره دریاچه ارومیه است. شاید او بهتر از هر کس دیگری بتواند از حال و روز این دریاچه بگوید.

مانی میرصادقی (۱۶:۲۷) **:** سال ۸۲ است که دریاچه ارومیه هستیم؛ چقدر آب داشته، پرنده‌هایی که رویش بودند، همه این‌ها از بین رفته. یعنی این فلامینگوها زادآوری داشتند توی دریاچه ارومیه؛ سر دریاچه ارومیه شروع شد خشک شدن، این‌ها بیچاره‌ها آمدند توی بختگان، بختگان خشک شد، رفتند پریشان، پریشان خشک شد و دیگر اصلاً نمی‌آیند و یا از بین رفتند یا اینکه مسیر مهاجرتشان را عوض کردند.

گفت‌وگو در اتاق تدوین (۱۶:۵۳) **:** این فکر می‌کنی کجاست؟ — این بیشتر شبیه کویر لوت است دیگر. — این اصلاً تیپیکال این رمل‌های دشت مرکزی کویر است که توی همین مایه رنگ‌هاست؛ ولی اینجا نیست، این ارومیه است! این ۵ کیلومتری ارومیه است. می‌بینی؟ یعنی خودِ فاجعه است! ببینید این شهر، این کارخانه‌های ارومیه است. ببینید این الان شده چیز و این بستر دریاچه ارومیه است و این ماسه‌ها همین است که می‌گویند ریزگرد و باد؛ یک باد ملایمی بلند شود همین‌ها می‌آید. ببینید این چیز است؛ طوفان شن توی دریاچه ارومیه است به طرف تبریز.

باورتان می‌شود؟ فکر کنید این حجم نمک دارد می‌آید طرف تبریز! می‌گویند که اگر دریاچه ارومیه خشک بشود، تا زنجان باید تخلیه بشود؛ یعنی هیچ سکنه‌ای دیگر نمی‌تواند آنجا زندگی کند، هیچ آبادانی وجود نخواهد داشت. این مملکت احتیاج به هیچ دشمنی ندارد؛ خودمان داریم خودمان را می‌کشیم.

راوی (۱۷:۵۴) **:** تصاویری از روزگار حیات تالاب‌های خشک‌شده ایران، دل هر بیننده‌ای را می‌لرزاند. دریاچه ارومیه، تالاب هورالعظیم، تالاب شادگان، دریاچه بختگان و دریاچه پریشان، همگی امروز به مناطقی خشک و بیابانی تبدیل شده‌اند. امروز ۱۶ تالاب و دریاچه اصلی کشور بین ۹۰ تا ۱۰۰ درصد خشک شده‌اند. سدهای بی‌شمار بیش از ۹۵ درصد از آب‌های روان کشور را مهار کرده‌اند تا نتیجه قابل لمس این رکوردزنی، گرد و خاک و آلودگی‌ای باشد که گاهی تا بیش از ۶۰ برابر حد مجاز، شهرهای مختلف کشور را در بر می‌گیرد.

۸. هامون و سیستانِ مدفون در خاک

راوی (۱۹:۲۷) **:** تالاب هامون، جایی در جنوب شرق ایران و درست قرینه دریاچه ارومیه که پُرآبی آن زبانزد شاعران این مرز و بوم بود، مدت‌ها پیش از دریاچه ارومیه به همین سرنوشت دچار شد.

یاسر عرب (مستندساز) • (۱۹:۴۴)

راوی: یاسر عرب، مستندسازی که تا به حال دو فیلم درباره مردم سیستان ساخته، با اضطرار و درماندگی مردمان این منطقه به‌خوبی آشناست.

یاسر عرب (۱۹:۵۵) **:** من توی سفر اولم به سیستان به این نتیجه رسیدم که فاجعه هر چقدر بزرگ‌تر باشد، کمتر دیده می‌شود انگار. یعنی وقتی شما وارد منطقه سیستان می‌شوی به خودت می‌گویی خدایا اصلاً امکان ندارد یک چنین چیزهایی که من می‌بینم حقیقت داشته باشد؛ مگر می‌شود ۶۰۰ هزار نفر اوضاع زندگیشان این‌طوری باشد و بعد هیچ خبری در مرکز نباشد!

این آب وقتی که بر روی هامون بود، بادهای ۱۲۰ روزه سیستان معروف است دیگر؛ این باد ۱۲۰ روزه می‌آمد می‌زد روی این آب، خنک می‌شد، کولر طبیعی می‌کرد، کل منطقه سیستان را خنک می‌کرد. حالا آب را، درست‌تر بگویم، ۸ میلیارد متر مکعب گنجایش هامون آب را تبخیر می‌کنی در واقعیت — هرچند که روی نقشه ایران هنوز آبی است — و کف هامون جز خاک چیزی نمی‌گذاری. این باد ۱۲۰ روزه می‌آید می‌خورد به این خاک، این خاک را بلند می‌کند و زندگی مردم در خاک رقم می‌خورد؛ غذا در خاک، ماشین در خاک، لباس در خاک، تنفس در خاک! بیماری‌های ریوی در منطقه خاورمیانه نمره یک، بالاترین میزان سل در خاورمیانه!

راوی (۲۱:۳۷) **:** زمانی سیستان را انبار غله غرب آسیا می‌دانستند؛ اما امروز این توصیف همان‌قدر دور از تصور است که دیدن این تصاویر از گذشته تالاب هامون.

۹. ورزنه، تالاب گاوخونی و فرسایش یک نسل کشاورز

راوی (۲۱:۵۸) **:** تالاب گاوخونی، درست جایی میان دریاچه ارومیه و هامون است. در همسایگی این تالاب خشک‌شده و در انتهای زاینده‌رود، شهر تاریخی ورزنه قرار دارد. چادرهای سفید زنان ورزنه حس عجیبی از مهر مادرانه را به انسان منتقل می‌کند و نمادهای موجود در میادین شهر خبر از وابستگی مردمان آن به آب می‌دهد. علی رضایی، کشاورز نمونه ورزنه‌ای، کسی که همه زندگی‌اش کشاورز بوده، معنای آب را طور دیگری می‌فهمد. باورش سخت است، اما خشک شدن زاینده‌رود همه‌چیز را در این شهر دگرگون کرده است. این بیابان خشک زمانی نه‌چندان دور زمین حاصل‌خیز علی رضایی بوده است.

> **صدای علی رضایی در فیلم خانگی قدیمی** (۲۳:۲۱) **:** یا رحمان و یا رحیم؛ خدایا بر امید تو، نه بر امید خلق روزگار. امروز ۲۵/۸/۱۳۷۶ در محله تل‌قلعه مشغول کاشتن گندم هستیم... (آواز محلی و دلتنگی روی تراکتور)

علی رضایی (کشاورز نمونه ورزنه‌ای) (۲۴:۲۲) **:** خب مناطق ما چهار محصول را کشت می‌کردند؛ کشت گندم بود و جو بود و پنبه و چغندرقند. چغندرقند ما توی این مناطق عیارش بسیار بالا بود و هم درآمد خوبی داشت برای کشاورز و هم اینکه برای کارخانجات قند که این چغندر را مصرف می‌کردند. توی فصل برداشت چغندرقند ۵۰ نفر کارگر داشتم که سه گروه بودند چغندر را می‌کَندند. دیگر استخرمان هم نابود شده، لوله‌کشی‌هایمان دارد از بین می‌رود و زمینمان تبدیل شده به کویر و خودمان هم بیکار شدیم و دستمان هم به هیچ جایی الان بند نیست. به روشی شده که من دیگر خودم اصلاً نمی‌خواهم بیایم داخل انبارمان نگاه بکنم. من هم روی کمباین کار می‌کردم، هم روی تراکتور کار می‌کردم؛ تراکتورمان هم دیگر این‌قدر اینجا مانده که صندلی‌هایش را موش خورده! به هر صورت هی امسال و سال دیگر خوب می‌شود و سال بعدی خوب می‌شود... روز به روز برایمان بدتر شد و دیگر آینده‌ای هم من توی این مناطق نمی‌بینم.

راوی (۲۵:۳۲) **:** تقدیرنامه‌های متعدد علی رضایی که زمانی او را به استفاده بیشتر از آب و تولید محصول بیشتر ترغیب می‌کرد، امروز دیگر گرهی از کار او نمی‌گشاید. حاج اسماعیل تقیان، همسایه علی رضایی، پیرمردی است که مانند هزاران کشاورز دیگر ورزنه‌ای، جز چند صد متر زمین کشاورزی سرمایه دیگری ندارد.

حاج اسماعیل تقیان (کشاورز سالمند ورزنه‌ای) (۲۶:۰۱) **:** ببینید من یک فردی که ۸۰ سال عمرم است، حالا باید خفت بکشم. ۸۰ سال توی کشاورزی کار کردم، حالا باید با یارانه زندگانی بکنم. الان ۱۰ سال است که درآمد ما دگرگون شده است؛ گاو و گوسفند و هرچه داشتم فروختم تمام شده است و الان خدا سر شاهد است که این می‌گوید ۵ تومن بده من بروم دکتر، می‌گویم ندارم؛ باید خجالت بکشی. دامادم می‌دهد؛ پول الان ۶-۷ میلیون تومان داده است، من یک قرانش را ندارم که بهش بدهم. الان آمده است یک قبض ۳۳۴ تومن...

۱۰. غارت سفره‌های زیرزمینی در دشت کبودرآهنگ همدان

راوی (۲۷:۰۰) **:** زندگی کشاورزانی مثل حاج اسماعیل به زاینده‌رودی متکی بود که امروز برداشت بی‌رویه آب آن، رمقش را بریده است؛ داستانی که در نقاط مختلف کشور به صورت‌های گوناگون تکرار می‌شود. کیلومترها دورتر از زاینده‌رود، دشت کبودرآهنگ همدان هم قربانی استفاده بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی است. چاه‌های مزارع نفس‌های آخر خود را می‌کشند.

راوی (۲۷:۳۸) **:** ابوالقاسم سوزن‌چی، کشاورز نمونه همدانی، تلاش می‌کند مزرعه‌اش را سر پا نگه دارد. با پایین رفتن سطح آب‌های زیرزمینی منطقه، او در مزرعه‌اش نهال‌کاری و تولید کود ارگانیک را که تولیدات کشاورزی کم‌آب‌بری هستند جایگزین کشت و کار قبلی کرده است. در همسایگی او، مزارعی که نتوانسته‌اند خود را با کم‌آبی موجود وفق دهند نابود شده‌اند. اینجا مشکل کم‌آبی به علت از بین رفتن سفره‌های آب زیرزمینی است.

ابوالقاسم سوزن‌چی (کشاورز نمونه همدانی) (۲۸:۱۸) **:** بالغ بر ۴۵۰۰ چاه غیرمجاز در استانمان داریم. اگر هر چاهی حداقل ۱۰ لیتر بر ثانیه آب برداشت کند معادل دو تا کارون است! در یک روستا تنها ۲۲ چاه غیرمجاز زدند. وقتی که این مسئله را من با مسئولین مطرح کردم به عنوان اینکه من شایعه‌پراکنم برخورد کردند؛ یک نقشه دستی از آن منطقه تهیه کردم و آن را به استانداری اعلام کردم.

ابوالقاسم سوزن‌چی (خطاب به استاندار) (۲۸:۴۸) **:** استاندار محترم همدان، سلام علیکم. چندین سال قبل سازمان ملل اعلام نموده بود جنگ آینده ملت‌ها جنگ آب خواهد بود؛ این مطلب در ایران و به‌خصوص استان ما خیلی زود تحقق یافته. استان ما با چهار دشت ممنوعه و بالغ بر ۴۵۰۰ چاه غیرمجاز نمی‌دانم پایان این جنگ را به کجا خواهد برد.

راوی (۲۹:۱۷) **:** ۴۵۰۰ حلقه چاه غیرمجاز استان همدان تنها بخش کوچکی از ۷۵۰ هزار چاه موجود در کشور است؛ چاه‌هایی که بیشتر از نصف آن‌ها غیرمجازند و بقیه هم بیش از مقدار مجاز آب برداشت می‌کنند. افت شدید آب‌های زیرزمینی، وزارت نیرو را ناگزیر کرده بود تا در سال ۱۳۷۲ برداشت آب از سفره‌های زیرزمینی دشت کبودرآهنگ را ممنوع اعلام کند؛ اما ۴ سال بعد همین وزارتخانه نیروگاه شهید مفتح را با سیستم خنک‌کننده‌ای که نیازمند برداشت فراوان آب از سفره‌های زیرزمینی بود در همین دشت افتتاح کرد.

بخش سوم: فروچاله‌ها، جانمایی غلط صنایع و فاجعه سد گتوند

زمان‌بندی: ۰۹:۳۰ تا ۴۵:۳۲

۱۱. افتتاح نیروگاه شهید مفتح همدان و هشدارها

ابوالقاسم سوزن‌چی (کشاورز نمونه همدانی) (۳۰:۰۵) **:** ولی از همان روز اولی که این نیروگاه را افتتاح کردند، مدیرکل کشاورزی وقت استان، جهاد کشاورزی استان، همان روز در حضور ریاست جمهوری اعلام کردند که این کار ضربه‌ای به وضعیت آبی همدان می‌زند.

مهندس سید جواد شامخی (مدیرکل اسبق کشاورزی استان همدان در سال ۱۳۷۶) • (۳۰:۲۱)
راوی: جواد شامخی، مدیرکل کشاورزی استان در سال ۱۳۷۶، برایمان از اتفاقات روز افتتاح این نیروگاه گفت.

مهندس سید جواد شامخی (۳۰:۳۱) **:** برای ما علامت سؤال بود؛ واقعاً یک نیروگاه چطور ممکن است که بیاید در یک دشت ممنوعه که بیلانش بسیار منفی است ایجاد بشود، یک‌دفعه ۶۰ حلقه چاه عمیق بزند و نسبت به معیشت مردم در منطقه بی‌توجه باشد. یکی از دغدغه‌هایمان این بود که این نیروگاه ایجاد نشود؛ این می‌توانست در جای دیگری که ما جانمایی کرده بودیم اتفاق بیفتد.

سخنران مراسم افتتاح نیروگاه شهید مفتح همدان (سال ۱۳۷۶) (۳۰:۵۸) **:** وزارت نیرو به شرکت توانیر برنامه‌ریزی بسیار مفصل و مطالعات بسیار زیادی در غرب کشور در استان‌های همدان، کرمانشاه، کردستان، لرستان و قسمتی از استان مرکزی انجام دادند و با توجه به شرایط اقلیمی و وضعیت محل، نهایتاً استان همدان در شهرستان کبودرآهنگ، بخش فامنین، در اینجا که در خدمتتان هستیم در ۴۴ کیلومتری همدان [انتخاب شد]...

مهندس سید جواد شامخی (۳۱:۲۶) **:** یادم هست که همه مسئولین؛ آقای استاندار، معاونین، نمایندگان مجلس، ائمه جمعه و جماعت، این‌ها در خدمتشان بودیم. بنده رفتم گزارشی را خدمت آقای رئیس‌جمهور ارائه کردم. خب خیلی از نمایندگانی که آنجا بودند و مدیران و مسئولینی که آنجا بودند علاقه نداشتند من این مطالب را عنوان بکنم؛ دوستان علامت می‌دادند که حالا نگویید، این حرف‌ها را مطرح نکنید. می‌گفتم: «آقای رئیس‌جمهور! این به‌اصطلاح کلیدی که شما در نیروگاه برق همدان فشردید، این به مثابه یک هیولای بزرگ آب دشت‌های همدان را خواهد کشید و به‌سرعت شما شاهد مهاجرت‌های گسترده خواهید بود.»

سخنران مراسم افتتاح نیروگاه (سال ۱۳۷۶) (۳۲:۱۴) **:** بعد از آنکه عملیات نصب ما به‌خوبی پیشرفت کرد، ما برنامه‌ریزی کردیم برای راه‌اندازی نیروگاه و من مطمئنم در حضور امام جمعه همدان عرض می‌کنم که این نیروگاه باعث خیر و برکت برای این منطقه خواهد شد، مسلماً...

مهندس سید جواد شامخی (۳۲:۳۰) **:** بعد از چند سال بنده به عنوان معاون استاندار برگشتم در استان همدان؛ شاهد این بودم که ما ناچاریم که آب شرب مردم را با تانکر [تأمین کنیم].

۱۲. فروچاله‌ها، فرونشست زمین و روستاهای متروکه

ابوالقاسم سوزن‌چی (۳۲:۳۹) **:** شما اگر تشریف ببرید اطراف همین نیروگاه به فاصله ۴-۵ کیلومتری، بالغ بر ۱۵ تا ۲۰ تا ما فروچاله داریم؛ بعضی‌هایشان عمق ۷۰ متر، ۸۰ متر زمین فرورفتگی دارد.

کشاورز جوان در دو کیلومتری نیروگاه (۳۲:۵۳) **: راوی:** در دو کیلومتری نیروگاه، کشاورز جوانی حادثه عجیبی را که دیده بود برایمان تعریف کرد. — **کشاورز:** تقریباً دوروبر سال ۸۰ بود؛ قرار بود ما هم بیاییم اینجا زمین‌ها را شخم بزنیم. آمدیم صبح سر زمین تراکتورها را بیندازیم، دیدیم بله، زمینه نزدیک ۳۰-۴۰ متر دهنه یا دهنه‌اش بود و رو به پایین نزدیک ۷۰-۸۰ متر عمقش بود.

محمد درویش (۳۳:۴۰)
پدیده فرونشست زمین اصطلاحاً به‌عنوان آخرین مرحله از بیابان‌زایی یاد می‌شود. یعنی موقعی که میزان برداشت از سفره‌های آب زیرزمینی بیشتر از میزان تغذیه بشود، ما با پدیده‌ای روبه‌رو می‌شویم به نام افت سطح آب زیرزمینی؛ لایه‌های آبدار خاک به همدیگه می‌چسبند، فضای انباشت آب در زیر زمین کم می‌شود، کوچک می‌شود، حجم سدهای طبیعی زیرزمینی ما کوچک می‌شود. وقتی این اتفاق افتاد، دیگر کاریش نمی‌شود کرد.

راوی (۳۴:۴۶) **:** حالا اندکی دورتر از دشت کبودرآهنگ، مردم با عوارض چنین تصمیمات غلطی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. روستای «سلیلک» همدان یکی از هزاران روستای خالی از سکنه کل کشور است که ساکنانش به حاشیه شهرها مهاجرت کرده‌اند؛ آن هم نه به دلیل سیل و زلزله، که به دلیل بی‌آبی. امروز آقامیرزا و همسرش جزء معدود ساکنان این روستای خالی از سکنه‌اند.

> **آقامیرزا (ساکن روستای سلیلک)** (۳۵:۲۹) **:** اینجا خانه بود... اینجا خانه حاجی ولی‌الله بود.
>
> **راوی** (۳۶:۱۳) **:** آقامیرزا و همسرش در خانه‌ای که کمتر نشانی از یک زندگی روستایی دارد، تنها و بدون فرزندانشان زندگی می‌کنند. هر هشت فرزند آن‌ها از روستا مهاجرت کرده و در اطراف شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند.
>
> **آقامیرزا** (۳۶:۳۰) **:** این پسر بزرگ ماست، این هم نوه‌های ماست... این یک پسر کوچک ماست... بچه‌هایم دو تا... چهار تا دختر و چهار تا پسرم همه‌شان شهرند. ما دو تایی فقط دو تا مانده‌ایم اینجا. مشکل ما همین کمبود کار و آب است.

۱۳. سد فریم صحرا و بحران در شمال ایران

راوی (۳۶:۵۵) **:** جانمایی اشتباه صنایع و تأسیسات تنها به نیروگاه شهید مفتح همدان ختم نمی‌شود. سد «فریم صحرا»ی مازندران نمونه چنین تأسیساتی است.

سخنران مراسم افتتاح سد فریم صحرا (آبان ۱۳۷۹) (۳۷:۰۷) **:** وجود این سد نعمت بسیار باارزشی است؛ ۷۵۰ هکتار اراضی را بهبود می‌دهد و ۵۰۰ هکتار اراضی جدید را زیر کشت می‌برد و خب برای این محدوده کار بسیار ارزشمندی است و باعث رونق اقتصادی در منطقه می‌شود، درآمد کشاورزان اضافه می‌شود و آن‌ها را از آسیب‌های سال‌های خشک و کم‌آب مصون می‌دارد و با خیر و برکت است؛ تأسیسات آبی سازه‌هایی هستند که حقیقتاً جز خیر و برکت و خوبی چیز دیگری ندارند... (تصاویر سد خشک‌شده در سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۷؛ هشت سال پس از افتتاح)

راوی (۳۸:۳۴) **:** شاید سرزمین‌های پرآب شمال ایران نقطه امیدی باشد برای سال‌های کم‌آبی و خشکی؛ اما دانیال توحیدی، عضو سابق تیم ملی قایق‌رانی کشور، روایت متفاوتی دارد.

دانیال توحیدی (عضو سابق تیم ملی قایق‌رانی) • (۳۸:۴۹)
اتفاقی که دارد می‌افتد حذف شدن رودخانه‌ها از تاریخ و فرهنگ و جغرافیای ایران است. ما هم که توی پهنه‌های آبی در واقع فعالیت می‌کنیم، ورزش می‌کنیم، پارو می‌زنیم، دغدغه اصلی‌مان آب است؛ یعنی ما تخریب پهنه‌های آبی را داریم لمس می‌کنیم، یعنی ذره‌ذره داریم مشاهده می‌کنیم این اتفاقات را.

یک برنامه‌ای را من طراحی کردم برای دومین رود طویل ایران؛ «سپیدرود» دومین رود طویل ایران است که با مسافت ۷۶۰ کیلومتری از دیواندره کردستان سرچشمه می‌گیرد، حدود ۵ تا استان را رد می‌کند، وارد رشت می‌شود و به دریا می‌ریزد. ما با طی کردن این مسیر در واقع شاهد تخریب‌های انسانی و شاهد تغییر آب‌وهوا و تغییر اقلیم هم بودیم. سؤالی که ما داشتیم: «چرا آب نیست؟» حدود ۷۰ درصد در واقع جواب‌هایی که ما می‌گرفتیم این بود که خشکسالی است، خشکسالی شده؛ اما حقیقت این نیست. ما توی مسیر ۷۶۰ کیلومتری سپیدرود سدهای خیلی زیادی را دیدیم؛ شاید ۱۳۵ تا سد توی مسیر سپیدرود احداث شده بود و در حال احداث بود.

۱۴. فشارهای سیاسی و صنایع آب‌بر در کویر

راوی (۴۰:۱۶) **:** جانمایی اشتباه صنایع و تأسیسات بزرگی نظیر سد در کشور، علت‌هایی غیر از ضعف دانش مهندسی دارد.

مهندس سید جواد شامخی (۴۰:۲۴)
یکی از دلایل ناکامی‌هایی که در کشور داریم فشارهای سیاسی است که به‌وسیله به‌هرحال وابستگان، قدرتمندان، افرادی که می‌خواهند صاحبان به‌هرحال کرسی‌ها بشوند [وارد می‌شود]...

مهندس عیسی کلانتری (۴۰:۴۰)
افراد سیاسی برداشت‌های سیاسی می‌کنند؛ انتخابات نزدیک است، اصلاً برایشان دریاچه مهم نیست، مردم هم مهم نیستند، مهم انتخاب شدن یا نشدنشان است.

محمد درویش (۴۰:۵۱)
همین اخیراً با آقای علیرضا دائمی، معاون وزارت نیرو، من جلسه‌ای داشتم که می‌گفت ۱۲۰ سد را، ۱۲۰ سد را الان به وزارت نیرو تحمیل کردند که بسازیم که وزارت نیرو رأی کارشناسی‌اش این است که این سدها نباید ساخته بشود.

راوی (۴۱:۰۸) **:** کارخانجات متعلق به صنایع آب‌بری نظیر فولاد، در همه‌جای دنیا در کنار دریاها ساخته می‌شوند؛ اما در ایران بزرگ‌ترین این کارخانه‌ها در مناطق کویری و خشکی چون یزد و مبارکه اصفهان برپا شده‌اند. این لکه‌های سیاه روی نقشه، کارخانه ذوب‌آهن زرین‌شهر و فولاد مبارکه اصفهان هستند. مجتمع فولاد مبارکه اصفهان، بزرگ‌ترین مجتمع صنعتی کشور، بناشده در منطقه‌ای خشک؛ این مجتمع در سال ۱۳۹۳ به‌تنهایی ۵.۶ درصد از کل آب شهر اصفهان را بلعیده است؛ آبی که از رگ‌های خشک زاینده‌رود و منابع بی‌رمق آب زیرزمینی تأمین می‌شود.

۱۵. فاجعه سد گتوند و شور شدن کارون

راوی (۴۲:۰۱) **:** جانمایی نادرست تنها مختص مجتمع‌های فولاد و صنایع دیگر آب‌بر نیست؛ سازه پرهزینه و پیچیده‌ای مانند «سد گتوند» هم دچار همین چالش است.

سخنران مراسم افتتاح سد گتوند خوزستان (مرداد ۱۳۹۰) (۴۲:۲۱) **:** سد گتوند یکی از افتخارات بزرگ استان خوزستان است که از امروز به دست مبارک ریاست محترم جمهور آبگیری می‌شود و به بهره‌برداری می‌رسد. این سد به تعبیر مهندسان، طراحان و مجریان آن یک عالمه «ترین‌ها» دارد... شاهد آبگیری بزرگ‌ترین، بلندترین، مرتفع‌ترین سد خاکی کشور هستیم. در طول این پروژه در بعضی از مقاطع تا نزدیک ۱۱ هزار نفر مشغول کار بودند... ۹۵۰ کیلومتر مجموع طول گمانه‌های حفاری و تزریق است؛ فاصله اهواز تا تهران کمتر از ۹۰۰ کیلومتر است.

راوی (۴۳:۰۹) **:** عملیات اجرایی این سد در سال ۱۳۷۶ درست جایی در فاصله ۵ کیلومتری از معدن نمک گچساران آغاز شد. در سال ۱۳۹۰ و قبل از آبگیری سد، کارشناسان بسیاری نسبت به حل شدن ۱۰۰ میلیون تن کوه نمک در آب کارون هشدار دادند. سازندگان گتوند در پاسخ به مخالفان پیشنهادهایی برای علاج‌بخشی این معضل ارائه دادند.

سخنران مراسم آبگیری سد گتوند (۴۳:۳۶) **:** برای علاج‌بخشی سازند گچساران تمهیدات مختلفی دیده شده است؛ من‌جمله ما در هر مرحله از آبگیری تا ۱۵ متر بالاتر از تراز آبگیری، خاک‌ریزی‌مان را روی پوشش، روی لایه سازند گچساران اجرا کرده‌ایم تا امکان جریان آب و شستن نمک‌ها پیش نیاید.

راوی (۴۴:۱۳) **:** تنها سه روز بعد از آبگیری سد، آب پوشش رُسی پیش‌بینی‌شده بر روی کوه نمک را شُست و این پوشش ناگهان به ارتفاع ۷ متر نشست کرد و تخریب شد؛ رویدادی که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رودخانه کشور را با چالشی جدی مواجه کرد.

مهندس عیسی کلانتری (۴۴:۵۴)
سد گتوند را ساختند و آب شیرین کارون را شور کردند. امروز خوزستان دارد ویران می‌شود. دو سوم اراضی خوزستان زیر سد گتوند است که سالیانه ۸ تا ۱۰ تن نمک اضافی وارد خاک‌ها می‌کند؛ قبل از ساختن سد گتوند نبود! و این‌ها جنایت‌هایی است که در این سرزمین اتفاق افتاده است.

راوی (۴۵:۲۸) **:** این نخل‌های بی‌سر حاشیه اروند همه ما را یاد جنگ تحمیلی می‌اندازد...

بخش چهارم: گورستان نخل‌های اروند، اقتصاد آب‌بر و صادرات آب مجازی
زمان‌بندی: ۴۵:۳۲ تا ۰۱:۰۰:۱۱

۱۶. گورستان نخل‌های اروند و پیشروی آب شور

راوی (۴۵:۳۶) **:** اما این گورستان نخل را جنگ به وجود نیاورده است. این شور شدن آب است که طی ۱۰ سال گذشته، بیش از یک میلیون نخل را پیش چشم کشاورزان منطقه در روندی آرام و تدریجی به کام مرگ فرستاده است؛ شوری‌ای که به‌خاطر به‌هم خوردن تعادل آب رود و آب دریا درست شده و علت آن احداث تعداد زیادی سد روی رودخانه کارون است.

> **نخل‌دار خوزستانی** (۴۶:۱۲) **:** آب شور ببین دارد چه‌کار می‌کند! این کل نخل‌های ما که هست، این از بعد از ۸۶ به این‌ور این از بین رفته. کل این نخل‌ها از بین [رفت] و این آب شور. ما کاری می‌خواهیم بکنیم که آب شور از زمین‌های ما برداشته بشود؛ چون ما هیچ راهی نداریم. علت... هیچ کار کشاورزی نمی‌توانیم بکنیم به‌خاطر علت آب شوری که ما داریم.
>
> **کشاورز سالمند خوزستانی (در شب)** (۴۶:۳۹) **:** نزدیک‌های ۶۰ سالم، کارم کشاورزی است، دلم هم می‌خواهد بمانم کشاورزی [کنم]. باور کن ما این مرز را، چه اول و چه همین الان، ولش نکردیم. پدرِ پدرم این منطقه‌اش اینجاست و متولد این زمینم. عِندالله و عِندالرسول، کارمان و کشتمان است، کشاورزیم ولی به دست نیامد. (صداهای همهمه و اعتراض کشاورزان در ادامه: «آقا آب بده بابا... ما مردیم، مردیم، مردیم!»)

راوی (۴۷:۲۲) **:** و کاش برنامه‌ریزی‌هایمان برای ایجاد تغییر در طبیعت نقطه پایانی داشت.

۱۷. نقد نگاه فن‌سالارانه و اعتراف به افراط در سدسازی

سخنران مراسم آبگیری سد گتوند علیا (مرداد ۱۳۹۰) (۴۷:۲۹) **:** اما رودخانه کارون یک ویژگی دارد و آن این است که ما تمام طول این رودخانه را می‌توانیم تبدیل به مخزن بکنیم. با پروژه‌هایی که تا امروز اجرا شده است، ۴۰۰ کیلومتر از طول این رودخانه تبدیل به مخزن شده است. ما پنج تا از سدها را ساختیم که بزرگ‌ترین سدهاست؛ شش تا سد دیگر مانده که کوچک‌تر است. می‌شود گفت حدود ۶۰ درصد...

دکتر محمدتقی فرور (۴۷:۵۳)
ما در توسعه کشورمان این نگاه فن‌سالارانه را که فن‌سالاران، تکنوکرات‌ها بیایند حاکم بشوند اصلاً یک چیز مقدس می‌دانیم؛ در حالی که تصمیمات را جامعه باید بگیرد، نه فن‌سالار. وقتی فن‌سالار می‌گیرد، عواقبش هم می‌آید و بعد می‌گوید که تقصیر خداست، تقصیر یکی دیگر است.

مهندس عیسی کلانتری (۴۸:۱۸)
عاشق سدسازی بودند، عاشق ساختن دیواره بودند؛ سد را می‌ساختند، آب‌ها را محبوس می‌کردند بدون اینکه فکری به حال مصرفشان باشند.

دکتر محمدتقی فرور (۴۸:۲۷)
پیشنهاد می‌کنم یک بخشی از کویر مطلق را که هیچ فایده‌ای ندارد — حالا شوره‌زار است یا به هر دلیل به این نتیجه رسیدیم که هیچ فایده‌ای ندارد — محصور بکنیم، این را بدهیم خدمت حضرات سدساز، بگوییم آقا بسازید؛ هر چقدر می‌خواهید بسازید، ولی این تو بسازید! بگذارید آسیبش به جامعه نخورد. تمام... دیگر جانمان برای ساختن... خراب بکنید، پول بگیرید؛ دوباره بسازید، پول بگیرید؛ ولی ول کنید بقیه جامعه را، ول کنید محیط زیست را، ول کنید مردم را.

مهندس عیسی کلانتری (۴۸:۵۷)
یعنی ناآگاهی در وهله اول باعث این تصمیمات شده. این ناآگاهی هم به دلیل ضعف علمی ماها در گذشته بوده؛ عمدی نبوده، ناآگاهی علمی بوده و این پذیرفتنی [است]؛ دیگر من‌بعد پذیرفتنی نیست. (پشت صحنه با خنده: «حالا چرا با این ترس و لرز سؤالت را مطرح می‌کنی؟ این که عادی است! فقط نمی‌گویم نادانی، مهندسِ نادان!»)

محمد درویش (۴۹:۱۹)
کاری که ما کردیم دقیقاً مثل کاری است که آن خانواده ثروتمند با پسر یکی‌یکدانه لوسش می‌کند؛ یعنی می‌گوید که چون من خیلی تو را دوست دارم، بیا این ۲۰ میلیون تومان را بگیر پسر، برو هر کاری دلت می‌خواهد بکن؛ پسری که ۱۰ سالش هم نیست.

راوی (۴۹:۵۷) **:** چنین وضعیتی باعث شد در سال ۱۳۹۳، برای اولین بار از زمان تأسیس وزارت نیرو، رئیس این وزارتخانه در تلویزیون به افراط در سدسازی‌ها اشاره کند.

حمید چیت‌چیان (وزیر وقت نیرو در برنامه زنده تلویزیونی) • (۵۰:۰۹)
اولاً ما در سدسازی یک مقدار افراط کردیم. یعنی الان سدهایی که ساخته شده به‌اضافه سدهایی که در حال احداث است، این‌ها جمعاً بالغ بر — اگر من درست به ذهنم مانده باشد — بالغ بر ۷۶ میلیارد متر مکعب آب را می‌تواند تنظیم بکند؛ در حالی که ما بیشتر از ۴۹ میلیارد متر... ۴۶ میلیارد متر مکعب آب برای تنظیم اصلاً نداریم!

۱۸. اقتصاد آب‌بر، یارانه‌های نفتی و صادرات آب مجازی

راوی (۵۰:۵۵) **:** کاش این همه آسیب و هزینه‌ای که برای کنترل و بهره‌مندی از منابع آبی ایجاد می‌شود، ارزش افزوده‌ای داشت؛ اما چنین نیست. محصولات این آب ارزشمند اغلب تأمین‌کننده هزینه تولید آن هم نیست و فقط با طلسم یارانه‌های نفتی است که این معادله سودآور به نظر می‌رسد. مهدی آگاه باغداری است که به‌خوبی افسون سیاه این طلسم را دریافته است. او یکی از زمین‌داران و صادرکنندگان بزرگ پسته در کشور است؛ کسی که در سال‌های گذشته صدها هزار دلار ارز از محل صادرات پسته وارد کشور کرده؛ کاری که بسیاری آن را یک خدمت بزرگ به حساب می‌آورند. خود او اما نظر دیگری دارد:

مهدی آگاه (باغدار و صادرکننده بزرگ پسته) • (۵۱:۵۳)
خیلی‌ها به من ایراد می‌گیرند که تو رفتی الان این حرف‌ها را زدی، پایه کشاورزی را داری در مملکت ضعیف می‌کنی. من می‌گویم خب این خیانت بوده! اگر کسی دارد در پتروشیمی، در فولاد خیانت بزرگ‌تر از این می‌کند، این رفع خیانت از من نمی‌کند. خیانت به معنی از بین بردن ذخایری است که در این کشور لازم است برای بقایش. ما به بقای خودمان یک نسل فکر کنیم و به بقای ایران فکر نکنیم، این فرق خدمت و خیانت است.

دکتر حجت میان‌آبادی (پژوهشگر سیاست‌گذاری آب، دانشگاه دلفت هلند) • (۵۲:۲۵)
اخیراً یکی از نمایندگان کمیسیون انرژی مجلس اعلام کرد میزان سود اقتصادی‌ای که ما از کشت پسته در کرمان و رفسنجان به دست آوردیم ۳ میلیارد دلار بوده و ارزش آبی که صرف تولید این پسته شده ۸ میلیارد دلار بوده!

۱۹. تراژدی گوجه‌فرنگی‌های هشت‌بندی و هدررفت منابع آبی

راوی (۵۲:۵۲) **:** اما اگر پسته و پسته‌کارها این اقبال را دارند که به تعبیر مهدی آگاه به بهای خیانت به منابع آب کشور لااقل عنوانی جهانی در صنایع و کشاورزی به دست آورند، گوجه‌کارهای هشت‌بندی این اقبال را نداشتند. محمد مشایخ، روزنامه‌نگار اهل منطقه هشت‌بندی استان هرمزگان، برای اولین بار در دی‌ماه ۹۳ عکس‌هایی را از مغازه لوازم‌التحریرش به خبرگزاری‌ها ارسال کرد.

> **محمد مشایخ (روزنامه‌نگار اهل هشت‌بندی)** (۵۳:۳۹) **:** توی دو سه هفته اخیر گوجه‌فرنگی به جایی رسید که مثلاً کشاورز گوجه‌اش را از مزرعه جمع‌آوری می‌کرد، توی میدان تره‌بار هشت‌بندی عرضه می‌کرد، تا غروب می‌نشست، کسی نبود گوجه‌فرنگی از دستش بخرد؛ دیگر برمی‌گشت خانه، صبح دوباره این را می‌برد دوباره میدان عرضه می‌کرد شاید کسی پیدا بشود گوجه‌فرنگی‌اش را بخرد. تولید هر کیلو گوجه‌فرنگی برای هر کشاورز ۴۰۰ تومان هزینه تولیدش است و این ناچار بودند کشاورزها این گوجه‌فرنگی مرغوب را که با هزینه بالایی هم تولیدش شده بود، با قیمت نازلی به کارخانه‌دارها بفروشند.

راوی (۵۴:۳۲) **:** هشت‌بندی جزء معدود شهرستان‌های استان هرمزگان است که هنوز منابع آب زیرزمینی خوبی دارد. برای تولید هر کیلوگرم گوجه‌فرنگی ۱۸۰ لیتر آب لازم است و در نتیجه نظام غلط عرضه و تقاضا، کشاورزان هشت‌بندی به‌ناچار محصولشان را کیلویی ۱۰۰ تومان به دلال‌ها فروختند. دولت برای حمایت از کشاورزان گوجه‌فرنگی‌ها را به قیمت هر کیلو ۳۰۰ تومان خرید تا به مصرف کارخانه‌های تولید رب گوجه‌فرنگی برسد؛ اما کارخانه‌های رب‌سازی هم ظرفیت استفاده از این همه محصول را نداشتند.

> **گزارش شبکه خبر (بخش خبری ۲۰:۳۰ - اصفهان)** (۵۵:۱۶) **: گوینده:** شاید باورش سخت باشد که گوجه که تا چند هفته پیش قیمتش سر به فلک گذاشته بود، این روزها در حد کامیون‌کامیون و تریلی‌تریلی بهش بی‌مهری می‌شود و سرنوشتی جز نابودی در انتظار چند هزار تن از آن نیست. — **گزارشگر:** این‌ها آب معمولی نیست، این‌ها آب گوجه‌ای است که از این کامیون‌ها دارد سرشار می‌شود! — **راننده کامیون:** دیگر الان ۵ روز است ما اینجا خوابیدیم، بعد هم که دیگر اصلاً کلاً از گرمای هوا و کل همه‌چیز... — **گزارشگر:** چند تن بار زدی؟ — **راننده:** ۲۳ تن و نیم ما بار زدیم. — **گزارشگر:** همه‌اش فاسد شده؟ — **راننده:** همه‌اش فاسد شده، بله. کلیه کامیون‌ها همین‌طور است؛ برو همه‌اش را نگاه کن! — **رانندگان معترض:** همه این‌ها ماشین بوده اینجا، آبش ریخته این‌جوری شده!

راوی (۵۵:۵۹) **:** تصاویر تلنبار شدن گوجه‌های هشت‌بندی در استان‌های مختلف به صورت‌های دیگر دیده می‌شود. این توسعه بی‌قاعده کشاورزی در مناطق مختلف کشور موجب شده تا منابع آبی ارزشمندمان را گاهی به قیمتی به‌مراتب کمتر از هزینه تولید بر سر سفره کشورهای همسایه ببینیم و گاهی در کنار جاده‌ها.

> **کشاورز ذرت‌کار کنار جاده (ترجمه از زبان ترکی)** (۵۶:۲۴) **:** آقا ما ذرت‌ها را کشت کردیم، برداشت کردیم، نه دولت می‌خرد نه مردم. مانده روی دستمان، جا هم نداریم انبار کنیم. مشکل ما این است که گرفتار شدیم اینجا، گیر کردیم؛ نه کسی نگاه می‌کند، نه کسی قیمت می‌دهد، نه کسی می‌خرد؛ گرفتار شدیم.

دکتر حجت میان‌آبادی (۵۶:۴۴)

اگر هندوانه‌ای که ما داریم صادر می‌کنیم به کویت، این را متوقف کنیم و همین آبی که صرف کشت این هندوانه کردیم، همین آب را صادر کنیم به کویت، ارزش اقتصادی‌اش بیشتر است!

راوی (۵۶:۵۸) **:** ظاهر خوشایند ماجرا این است که در سال‌های گذشته سطح زیر کشت حوضه آبریز دریاچه ارومیه از ۱۵۰ هزار هکتار به ۴۵۰ هزار هکتار رسیده و صادرات میوه از این استان افزایش ۵۵ درصدی داشته است؛ اما ورای این ظاهر امیدوارکننده حقایق تلخی نهفته است.

دکتر حجت میان‌آبادی (۵۷:۲۲)

در حوضه ارومیه طبق آماری که منتشر شده، ما سالیانه بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون متر مکعب صادرات آب مجازی داریم به صورت چغندرقند و سیب و غیره و افتخار می‌کنیم به این صادراتمان! و از آن طرف دیگر می‌خواهیم برویم آب دریای خزر را شیرین کنیم و بیاوریم! نگاه کنید چه اتفاقی دارد می‌افتد در کشور ما؛ یک کشور با منابع آب به‌شدت محدود، واردکننده اصلی محصولات استراتژیکیم و دومین صادرکننده اصلی هندوانه و خیار و پسته و گردو و خربزه دنیاییم! این‌ها همه ناشی از سوءمدیریت‌های ماست.

۲۰. سیلاب‌های ویرانگر هامون و آغاز پروژه‌های انتقال آب

راوی (۵۸:۰۵) : یکی از نمونه‌های این سوءمدیریت‌ها در حوضه تالاب هامون رخ داد؛ همان جایی که حالا چند سالی است از کمبود آبی که به خشکسالی تعبیر می‌شود رنج می‌برد.

یاسر عرب (مستندساز) • (۵۸:۱۸)

نماز باران می‌شود گفت تقریباً رفتار دینی مستمر این مردم است. توده مردم باران را از خدا می‌خواهند؛ خداوند رحمتی می‌فرستد، بارانی می‌آید، وارد این منطقه آب بسیار زیادی می‌شود؛ اما مدیران، مدیران منطقه‌ای با این آب واردشده برای کشاورزی مردم چه می‌کنند؟

این نامه‌ای است که پژوهشکده تالاب هامون زده در اسرع وقت [صورت‌جلسه مورخ ۹۲/۱۲/۱۳]: «لازم به ذکر است لایروبی رودخانه‌ها تأثیر بسزایی در زمینه مهار سیلاب در صورت وقوع سیلاب احتمالی رودخانه هیرمند دارد.» یعنی این‌ها وقوع سیلاب احتمالی را پیش‌بینی کرده بودند، می‌دانستند که این‌قدر حجم آب بالاست. این نامه به تمام مسئولین منطقه و استان خورده می‌شود که آقا آب قرار است وارد این منطقه بشود؛ آبی که در ۲۰ سال گذشته سابقه نداشته چنین ورودی آبی ما داشته باشیم. حالا پژوهشکده تالاب هامون درخواست لایروبی کرده؛ شما می‌بینید این شاید ۳ متر، ۴ متر فقط تویش خاک است!

خب اتفاقی که در عمل می‌افتد این است که آقایون بی‌توجهی می‌کنند؛ بخش اعظم این آب می‌خواهد وارد هامون بشود، برمی‌خورد به خاکریز مرزی. به خاکریز مرزی برخورد می‌کند، نمی‌تواند وارد هامون بشود، برمی‌گردد، موج می‌زند، برمی‌گردد می‌آید توی جایی که بالادست است دیگر و آنجا فاجعه می‌آفرینند!

بخش پنجم (پایانی): پروژه‌های انتقال آب، هنر قنات و فرونشست پایتخت

زمان‌بندی: ۰۱:۰۰:۱۱ تا ۰۱:۱۶:۰۴

۲۱. پروژه‌های انتقال آب و تبعات آن

راوی (۰۰:۵۹:۵۳ / ۰۱:۰۰:۱۱) : علاقه‌مندان ساخت‌وسازهای بزرگ بعد از سال‌ها افراط در سدسازی، حالا برای مقابله با بحران آب به راه‌حل‌های جدیدی به نام «انتقال آب» رو آورده‌اند؛ راه‌حل‌هایی که به بهانه تأمین آب، بیشتر نان شرکت‌هایی را فراهم می‌کند که سال‌هاست از این ساخت‌وسازها فربه و بانفوذ شده‌اند.

دکتر حجت میان‌آبادی (۰۱:۰۰:۴۰)

ما از رویکرد غلط سدسازی داریم رو می‌آوریم به رویکرد غلط انتقال آب؛ از خزر آب بیاوریم به ارومیه، از ارس آب بیاوریم به ارومیه، آب خزر را ببریم فلات مرکزی، آب خزر را شیرین کنیم ببریم مشهد، آب خلیج فارس را شیرین کنیم بیاوریم مشهد، آب خلیج فارس را شیرین کنیم ببریم سمنان و یزد؛ دوباره این‌ها اگر جوابگو نبود آب را برداریم از خارج از کشور بخریم بیاوریم! این دوباره تماماً این رویکردها، رویکردهای سازه‌ای است.

گفتار متن فیلم تبلیغاتی پروژه انتقال آب (۰۱:۰۱:۱۰) : این نتیجه ایمان و اراده است؛ ۳۶ کیلومتر تونل در اعماق کوه، تحولی تاریخی در صنعت تونل‌سازی کشور. غلبه بر سنگ، جدال با طبیعت؛ مهندسین ایرانی چگونه این طرح عظیم را به اجرا می‌رسانند؟ یک زمین مسطح...

راوی (۰۱:۰۱:۳۴) **:** این‌ها نمونه‌هایی از مستندهای تبلیغاتی هستند که سفارش‌دهندگان آن‌ها با افتخار از جدال با طبیعت یاد کرده و دست بردن در اکوسیستم را امری اجتناب‌ناپذیر معرفی می‌کنند؛ فیلم‌هایی که هر روزه از رسانه‌های کشور پخش می‌شود.

گفتار متن فیلم تبلیغاتی «زمزمه‌های زاگرس در دل کویر» (۰۱:۰۱:۵۲) **:** زمزمه‌های زاگرس در دل کویر. ایران مرکزی آن‌چنان گرفتار کم‌آبی و فقدان بارندگی است که بایستی چاره کار را در جای دیگری جست‌وجو کرد. سال‌های سال است که کارآزمودگان فن این را می‌دانند؛ همت آدمی ناممکن نمی‌شناسد، به جنگ کوه باید رفت؛ اما مسیر دشوار است و سخت. ابزار کار همت پیر و جوان است و ضرب تیشه و نظر کارآزمودگان. زاگرس چنان مادری مهربان گشته است و این اژدهای فولادین به سان جنینی در آستانه تولد...

راوی (۰۱:۰۲:۴۲) **:** نتایج جنگ با کوه و غلبه بر آن همیشه تنها به شادی و پایکوبی کارآزمودگان فن ختم نخواهد شد و شاید این اژدهای فولادی این بار قصد جان مادر خود کند.

دکتر حجت میان‌آبادی (۰۱:۰۲:۵۷)
طرح‌های انتقال آب در خوش‌بینانه‌ترین حالت اگر اثرات سوءشان بیشتر از سدسازی نباشد کمتر نیست؛ چون اگر سدسازی ما تنها اثرات زیست‌محیطی و اقتصادی داشت، طرح‌های انتقال آب علاوه‌بر این اثرات منفی، دارای اثرات اجتماعی، سیاسی و اقلیمی خواهد بود.

> **گزارش خبری (بخش خبری صدای آمریکا)** (۰۱:۰۳:۲۰) **: معترضان:** حمله! حمله! — **گوینده خبر:** درگیری کشاورزان در شرق اصفهان با مأموران امنیتی و پلیس؛ تصاویری که بر روی سایت یوتیوب قرار داده شده‌اند. این اعتراض‌ها از زمانی آغاز شد که قرار شد آب رودخانه زاینده‌رود به استان یزد فرستاده شود. جمعه پیش کشاورزان خشمگین در شهرهای خوراسگان و ورزنه به تأسیسات انتقال آب زاینده‌رود به یزد آسیب رسانده و آن را تخریب کردند؛ به همین دلیل آب شرب به شهر یزد قطع و جیره‌بندی شده...

۲۲. سازگاری هوشمندانه نیاکان با اقلیم و هنر قنات

راوی (۰۱:۰۴:۱۳) **:** برای هزاران سال ایرانیان با آگاهی از شرایط اقلیمی سرزمین خود راه‌هایی برای مدیریت منابع آبی پیدا کرده بودند که در هماهنگی کامل با طبیعت و نظام اجتماعی‌شان بود؛ اما تحولات پرشتاب دهه‌های اخیر برنامه‌ریزان توسعه کشور را از این رویکردهای ارزشمند سنتی غافل کرد و در زمانی کوتاه شیوه زیست و الگوی مصرف هزاران‌ساله ایرانیان را تغییر داد و بی‌حرمتی و اسراف را جایگزین حرمت نهادن به آب و فرهنگ قناعت کرد.

راوی (۰۱:۰۴:۵۴) **:** ایرانیان از روزگاران کهن برای یافتن منابع آب در زیر زمین شیوه‌هایی اسرارآمیز داشتند و توانستند با توسل به آن دشت‌های خشک را به جایی برای زندگی تبدیل کنند. قنات یکی از شیوه‌های اصلی مهندسی و مدیریت بومی منابع آب ما ایرانیان بود. خطوط ممتد چاله‌های روی زمین ابزاری بودند برای باز کردن مجرای آب. مقنی‌ها هر سال با استفاده از این حفره‌ها وارد قنات می‌شدند، مسیر را برای عبور آب گشوده و آن را به دور از تابش سوزان خورشید از کوهپایه‌ها به روستاها و زمین‌های کشاورزی می‌رساندند.

محمد درویش (۰۱:۰۶:۲۰)
یک جمله‌ای از قول شاردن گفته شده که ایشان یکی از جهانگردان به‌نام فرانسوی است، می‌گوید که: «در فن استحصال آب، فن به‌کارگیری آب، من هیچ ملتی را تواناتر از ایرانیان ندیدم.» شاردن کسی است که تقریباً همه دنیا را گشته و وقتی که وارد ایران می‌شود شبکه گسترده کاریزها یا قنات‌هایش را دیده، یخچال‌ها و یخدان‌های طبیعی را که دیده، آب‌انبارها را که دیده، بادگیرها را که دیده، متوجه شده که چقدر ایرانیان باستان در این کشور به‌درستی متوجه تنگناهای جغرافیایی و اقلیمی این کشور بودند و سازه‌ها و نوع زندگی خودشان را متناسب با این تنگناها طراحی کردند.

۲۳. مستند «علف»؛ روایت کوچ و زندگی عشایر بختیاری

راوی (۰۱:۰۷:۱۳) **:** آیا ایرانیان امروز نیز به تبع نیاکان خود متوجه تنگناهای جغرافیایی و اقلیمی سرزمینشان هستند؟ فیلم «علف» یکی از قدیمی‌ترین مستندهای تاریخ سینماست. شاید این فیلم سندی گویا از تغییر احوال ما در صد سال گذشته باشد. فیلم را دو مستندساز آمریکایی در سال ۱۳۰۳ ساخته‌اند. «علف» حکایت کوچ حیدرخان، سرکرده طایفه باباحمدی از طوایف ایل بختیاری است. او هر سال دو بار به همراه ۵۰ هزار زن و مرد و کودک و نیم میلیون رأس دام با پای پیاده از رود خروشان کارون و کوه‌های پوشیده از برف زاگرس عبور می‌کرد.

راوی (۰۱:۰۸:۱۲) **:** سفری دشوار و پرمخاطره که در آن افراد ایل راهشان را با دست خود از میان قله‌های پربرف می‌گشودند و آن را برای عبور ایل هموار می‌کردند. این تلاش از عشایر بختیاری مردمانی نیرومند و بانفوذ می‌ساخت؛ جامعه‌ای مولد که مهم‌ترین ویژگی‌اش خوداتکایی و خودکفایی بود. این فیلم نه‌فقط تصویری از ایل بختیاری، که یادآور گذشته نه‌چندان دور همه ماست. عزت و شکوهی که از مردمان بختیاری در فیلم علف به تصویر کشیده شده هر دلی را بی‌تاب سفر به استان چهارمحال و بختیاری می‌کند.

۲۴. سرچشمه رودها در محاصره تانکرهای آب؛ چهارمحال و بختیاری

راوی (۰۱:۰۹:۰۲) **:** بام ایران؛ استانی که ۱۰ درصد آب کشور را داراست و رودهای کارون، کرخه، دز و زاینده‌رود از آن سرچشمه می‌گیرند. حالا اما در دیار فرزندان حیدرخان، عشایر سال‌هاست که در شهرها و روستاها ساکن شده‌اند. حسین گنجی، مهندس جوان اداره آب و فاضلاب روستایی چهارمحال و بختیاری، نقاط قرمزی را روی نقشه استان نشان می‌دهد که خودش مسئول تأمین آب آن‌هاست. چند سالی است تانکرهای آب هر روز به روستاهای نقاط قرمز روی نقشه رفته و به مردم آبرسانی می‌کند.

> **مرد روستایی در کنار تانکر آب** (۰۱:۱۰:۳۰) **:** این‌ها را همه‌اش را رو کار کردند؛ یازده‌تا ۱۲۰ لیتری که بیاید [آب بیاورد] این جوری رنگ رام و مال رام... هر جا یک ذره آب یک ذره آب همان‌جا شود...
>
> **مرد سالمند روستایی در مقابل تانکر آب** (۰۱:۱۰:۳۸) **:** حاجی! ما تو تیرماه تا حالا سه مرتبه به ما آب می‌آید برایمان. این یک ماشین شب و روز هم می‌دود کفاف این ده نمی‌دهد! تماشا بکنید، خودتان و وجدانتان، تو را به قبر امام حسین، به جوانیتان قسم، این آب را به ما برسانید. ما به قرآن دو هفته، سه هفته یک مرتبه نمی‌توانیم لباس‌هایمان را بشوییم. آب نیست! به هر شخصی که شما می‌فرستید یک آبی فقط برساند به ما.
>
> **گفت‌وگوی شبانه اهالی روستا هنگام تخلیه تانکر آب** (۰۱:۱۱:۳۲) **: مرد روستایی:** پر شد کرد آقا... همین‌جا پر شد... ببینیم چطور است... همین‌جوری بچه‌های مردم مریض می‌شوند. — **زن روستایی:** وقتی از توی یک... برمی‌دارید، یک ذره... [اعتراض به وضعیت توزیع و کیفیت آب] — **جوان روستایی:** الان هر کی مثلاً دارد به‌خاطر کمبود آب دارد از این روستا می‌رود، می‌روند داخل شهر!

۲۵. فرونشست پایتخت و جمع‌بندی نهایی

راوی (۰۱:۱۲:۱۹) **:** کسی نمی‌داند چند نفر از مردم سلیلک، ورزنه، سیستان یا دیگر شهرها و روستاهای خشک کشور خود را در انبوه بی‌خیال این شهر گم کرده‌اند و گناه کشتن زمین را به گردن این و آن می‌اندازند. اما خبر بد این است که این شهر هم در سکوتی مرگبار با بحران دست‌وپنجه نرم می‌کند.

محمد درویش (۰۱:۱۲:۴۶)

در اتحادیه اروپا ۴ میلی‌متر نشست زمین در سال به‌عنوان شرایط بحرانی ازش یاد می‌شود. در تهران، در پایتخت ایران، بنا به گزارش سازمان زمین‌شناسی این رقم الان به ۳۶ سانتی‌متر در سال رسیده در جنوب تهران؛ یعنی ۹۰ برابر آن شرایط بحرانی در اتحادیه اروپا! شما حتی یک نماینده مجلس را ندیدید که یقه وزیر نیرو یا رئیس سازمان محیط زیست یا وزیر جهاد کشاورزی را بگیرد که چرا این اتفاق افتاده. هیچ روشنفکری را ندیدید، هیچ نخبه‌ای را ندیدید تو این کشور که اعتراض کند به این وضعیت؛ این یک جنایت مسلّم به نسل امروز و نسل فرداست.

راوی (۰۱:۱۳:۴۶) **:** شاید ما تنها متهمان جنایتی که بر زمین می‌رود نباشیم؛ اما بی‌شک در این جنایت سهیمیم. مادر زمین صبوری بسیار کرده که تا به حال روی دیگرش را به ما ساکنان خیره‌سر و خودخواه شهرها نشان نداده است. آیا سرزمین هزاران‌ساله‌ای که در آن به دنیا آمده‌ایم می‌تواند دیگر بار مأوایی برای زندگی فرزندانمان باشد؟ آیا راهی برای التیام زخم‌هایی که بر پیکر این مادر مهربان زده‌ایم باقی مانده است؟ آیا هنوز فرصت بازگشت از راه‌های اشتباه گذشته وجود دارد؟ تنها ماییم که می‌دانیم.

> «کشور ما جزو مناطقی است که از لحاظ آب آن‌چنان غنی نیست؛ اما در صورتی که اسراف نکنیم و روش کار را آن‌چنان‌که عاقلانه و درست است در پیش بگیریم، با همین آب موجود می‌توانیم نیاز کشور را برآورده کنیم.»
>
> **مقام معظم رهبری**

شناسنامه مستند «مادرکُشی»

عنوان / بخش	عوامل و جزئیات
تهیه‌کننده و کارفرما	مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (با مشارکت معاونت اجتماعی وزارت کشور)
نویسنده، پژوهشگر و کارگردان	کمیل سوهانی
گوینده گفتار متن	حامد باقری تنها (با تشکر از مرتضی پایه‌شناس)
کارشناسان و مصاحبه‌شوندگان	محمد درویش، مهندس عیسی کلانتری، دکتر محمدتقی فرور، مهدی آگاه، دکتر حجت میان‌آبادی، مهندس سید جواد شامخی، دانیال توحیدی، مانی میرصادقی، یاسر عرب، منوچهر انور، علی رضایی، اسماعیل تقیان، ابوالقاسم سوزن‌چی، آقامیرزا هدایتی، محمد مشایخ، مهندس حسین گنجی
تصاویر آرشیوی استفاده‌شده	مستند باد صبا (آلبر لاموریس)، مستند علف (مریان کوپر و ارنست شودزاک)، مستند در راه صنعت، مستند کارهای اصل چهار ترومن، مستند ماهی‌ها در سکوت نمی‌میرند، مستند ماهی‌ها در سکوت می‌میرند (یاسر عرب)، مستند خرمن و بذر (ابراهیم گلستان)، مستند به سردی آتش، مستند زمزمه‌های زاگرس در دل کویر، مستند انتقال آب دز به قمرود، مستند تا به بیرجند و مستند تاب آب (مانی میرصادقی)